

شهادت‌نامه امام حسین (ع) و یاران

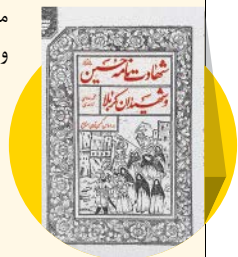
یکی از منابع دست اول برای دانستن آنچه در عاشورای سال ۶۱ هجری به وقوع پیوست، کتاب‌هایی هستند که به «مقاتل» معروفند. مقاتل عمدتاً شرحی از شخصیت‌های حاضر در واقعه، دلاوری‌ها و جنگاوری‌ها، رجزها و



عطیه هراتی مطلق

خبرنگار

گفت‌وگوها و تصمیمات افراد حاضر در واقعه و مویه‌هاست. درباره واقعه عاشورا مقاتل زیادی وجود دارد که برخی از آنها معتبرتر و به سال‌های وقوع حادثه نزدیک‌تر هستند و برخی برای سده‌های جلوتر و با فاصله تاریخی بیشتر نگاشته شده‌اند. اتفاق آن ظهر خونین و ماهیت آن به لحاظ پیچیدگی و شرایط فوق‌احساسی و منحصر به فرد بودن در عمق فاجعه، در گذر زمان دستخوش داستان‌سرایی‌ها و خیالپردازی‌های بی‌شماری قرار گرفته‌است. از این رو حال که بیش از هزار سال با آن رویداد فاصله داریم، برای دانستن آنچه «واقعی و متقن» است نیاز به منبعی موثق و مورداطمینان است که به شناخت ما از اصل و فرع آن حماسه و آدم‌هایش کمک کند. در سال‌های اخیر برخی نویسندگان و پژوهشگران تلاش کردند تا با تدوین کتاب‌های معتبر در این زمینه، شناخت ما را واقعی‌تر و عینی‌تر کنند. گاه این پژوهش‌ها در بازبینی رنگ و بوی هنری‌تر به خود گرفته و نویسنده قلمش را هنرمندانه‌تر به خدمت گرفته و گاه اثر پژوهشی به ساختار پژوهشی خود وفادار مانده و



بی‌هیچ کم و زیادی به روایت تام و تمام پرداخته‌است. «شهادت‌نامه حسین و شهیدان کربلا» از این قسم است. یک اثر پژوهشی که نویسنده آن با استفاده از منابع دست‌اول موجود به روایت واقعه عاشورا پرداخته‌است. نویسنده این اثر محمد هادی زاهدی، پژوهشگری است که این بار قلم‌گیرا و جذاب‌ش را در خدمت حسین بن علی (ع) قرار داده‌است و با بررسی مقاتل معتبر قبل از قرن چهارم درباره این حماسه، زمینه‌های آن، آدم‌های درگیر در آن و کمی پس از قیام و سرنوشت بازماندگان عاشورا، متن پژوهشی شسته‌رفته در حجمی قابل قبول و خواندنی در اختیار مخاطب قرار داده‌است.

شهادت‌نامه امام حسین (ع) با آغاز ماجرای اعلام ولیعهدی یزید آغاز می‌شود، با جریان مخالفت‌های عوام و خواص ادامه می‌یابد، با ماجرای مسلم بن عقیل رنگ خون به خود می‌گیرد و همراه با کاروان امام حسین از مکه تا کربلا پیش می‌آید، با قهرمانان کربلا یک به یک قصه می‌گوید و با حماسه زینبی به اوج می‌رسد و با بیان سرنوشت یزید به پایان می‌رسد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب، پاسخ آن به سؤالات پرتکرار و شبهاتی است که درباره این مسأله وجود دارد. در این کتاب هر جا که لازم بوده به صورت استدلالی یا ارائه اسناد تاریخی به سؤالات احتمالی مخاطبانش پاسخ داده‌است. شهادت‌نامه در کمتر از ۲۵۰ صفحه‌رقعی، هرآنچه درباره قهرمانان و آدم‌ها و وقایع عاشورا است، به صفحه کاغذ جاری کرده و این جامعیت در عین اختصار، علاوه بر مخاطب عام، برای وعظ و مداحین اهل بیت (ع) نیز می‌تواند قابل توجه و مفید باشد. □

در آستانه ایام زیارت اربعین، در گفت‌وگو با «محمدرضا وحیدزاده» کتابش را بررسی کردیم

خیلی‌ها از زیارت اربعین بی‌خبرند!

زینب‌گل محمدی
محمدرضا وحیدزاده، دانش‌آموخته ادبیات و هنر؛ کارشناس ادبیات فارسی و دانشجوی دکتری پژوهش هنر است و در عین حال عضو پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری انقلاب اسلامی است و مدیریت گروه ادبیات پایداری دانشگاه سوره را هم برعهده دارد. تا به حال سه مجموعه شعر، سه روایت و سه اثر پژوهشی از او چاپ شده که «از این ستون به آن ستون» یکی از آنهاست. وحیدزاده چندین بار توفیق شرکت در راهپیمایی اربعین را داشته و مجموعه‌ای از ناب‌ترین تجربیاتش در این سفرها، کتابی را رقم زده که کم‌حجم و خواندنی است.



روایت‌های این کتاب از پراکندگی خاصی برخوردار است؛ هدف شما از انتخاب این روایت‌ها چه بود؟

این کتاب سومین کتاب من از روایت‌های یک اتفاق است. کتاب اول من «ماهی خوران» درباره سفرم به سواحل مکران است و کتاب دوم هم «شام ملیتا» راجع به سفر به شام بود. این کتاب برخلاف دو کتاب اول که روایت از یک نقطه مشخص شروع می‌شود و به یک نقطه خاتمه پیدا می‌کند و شاید منسجم و پیوسته نوشته شده، کاملاً پراکنده‌است و روایت‌ها برای سفرهای متعدد، موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف است.

من در این سال‌ها توفیق داشتم بارها و بارها به سفر پیاده‌روی اربعین بروم و هر بار چیزی دیده‌بودم که من را شگفت زده می‌کرد و سفری نبود که برای من بدون مشاهده و بدون دیدن اتفاق شگفت، بگذرد. سعی می‌کردم این اتفاقات را گوشه‌ای برای خودم ثبت کنم و به تدریج تعدادش آن قدری شد که در یک کتاب جمع و جور با راهنمایی دوستان به چاپ رسید. پراکندگی روایت‌ها هم به دلیل این است که اتفاقات مختلف در سفرهای متعدد برای من رخ داده‌است و متن کتاب هم به تدریج کامل شد.

چرا روای‌ها در این روایت‌ها ناشناخته‌اند؟

راوی‌ها به‌نظم مشخص‌اند و براساس توضیحاتی که در فضای مجازی درباره کتابم آمده، همه راوی‌ها من هستند. به دلیل این‌که من در موقعیت‌های مختلف بوده‌ام؛ مثلاً در یک سفر خادم بودم، در یک سفر مسئول کاروان بودم، در یک سفر کارشناس فرهنگی بودم؛ در یک سفر قرار بود شعر بخوانم و یک سفر هم به عنوان بازیگر رفتم تا در سریال سرباز بازی کنم، در سفر دیگری دوستانه رفته‌بودم و... موقعیت‌های مختلفی را تجربه کردم و برایم رقم خورد و این تکرر باعث شده تنوعی در روایت‌ها ایجاد بشود.

نوع تنظیم روایت‌ها گاهی از فضای صمیمی حال و هوای پیاده‌روی اربعین فاصله می‌گیرد و به متن‌های مقاله‌ای نزدیک می‌شود؛ علت چیست؟

تغییر فضای روایت‌ها به دلیل همین موقعیت‌ها و اوقات مختلف و ثبت خاطرات در همان حال است، لذا گاهی فضا خیلی صمیمی و گاهی هم رسمی می‌شود. از جهتی شاید ضعف این کتاب باشد و تفاوت لحن را پرنتابد؛ از یک طرف هم شاید بازتاب دهنده حال آن لحظه باشد و حال آن زمان را آینگی کند.

وقت نوشتن به این فکر می‌کردید که این روایت‌ها قرار است چه جای خالی را بین روایت‌های موجود پُر کند؟

در وقت نوشتن اصلاً به این فکر نبودم. نمونه‌هایی را هم ندیده‌بودم و بعدها که در آستانه چاپ کتاب بود، نمونه‌هایی از این دست روایات را دیدم و خواندم و برایم جالب بود. می‌دیدم چقدر بهتر از من روایت کرده‌اند و به جای خالی فکر نمی‌کردم و به این می‌اندیشیدم که تجربه‌ای برایم پیش آمده و به حسب کارم احساس می‌کردم این روایت‌ها را باید جایی ثبت کنم.



چرا نشر شهید کاظمی را برای انتشار کتاب‌تان برگزیدید؟

نشر شهید کاظمی یک نشر خصوصی، چاپک و فعال است و تا آنجا که می‌دانم چاپ اول کتاب هم تمام شده و فکر کنم چاپ دوم هم در راه است. به نظرم این خرده‌روایت‌ها با کتاب‌هایی که نشر شهید کاظمی منتشر می‌کند تناسب‌هایی دارد و می‌تواند در دایره محصولات آن نشر قرار بگیرد.

تأکید روایت‌ها بر سختی‌های رفتن از مرز ایران تا نجف، قابل توجه است. برنامه خاصی برای این نمود داشتید؟

این کتاب حاصل سفرهای متعدد است و به راستی هم بخشی از سختی راه، واقعا از قبل از مرز تا نجف اشرف است و به دلیل شلوغی و ازدحام این سال‌ها و اشتیاق مردم به این سفر، معمولاً قصه پایانی با اتفاقات عجیب و جالب و گاهی تأمل‌برانگیزی همراه است و برای من هم بارها اتفاقاتی پیش آمده که حتی نتوانسته‌ام درباره‌شان بنویسم.

روایت‌های اربعینی چه جایگاهی در ادبیات امروز ما دارند؟

روایت، موضوع مهمی است. روایت یعنی از منظری به ماجرا نگاه کنید که رسمی نیست و آن حجم از شاعرانگی و خیال‌پردازی و بیان عاطفی را که یک متن خلاقه دارد هم ندارد و فاقد خشکی متن‌های رسمی است و می‌خواهد از زاویه‌ای به ماجرا نگاه کند که کمتر به آن توجه شده و هدفش پُر کردن یک جای خالی است. روایت‌ها خیلی مهم هستند و ما از طریق آنها به نوعی با پدیده‌ها مواجه می‌شویم که شاید به شکل دیگری امکان‌ش برای ما فراهم نباشد. به نظرم روایت‌های اربعینی کار مهمی را در ادبیات امروز ما انجام می‌هند.

روایت‌های اربعینی چقدر در تهییج مردم و پرشور کردن این اجتماع عظیم شیعی مؤثر است؟

به نظرم روایت‌های اربعینی بیشتر از این‌که در تهییج مردم و باشکوه شدن آن تأثیر داشته باشند در روشن شدن بخشی از ماجرا سهم دارند. یک اتفاق مهمی دارد می‌افتد که خیلی‌ها از آن بی‌خبرند و خیلی‌ها هم که در آن ماجرا حاضر بودند و سفرهای زیادی رفته‌اند باز هم گم‌گوشه‌ها و زوایای تاریکی هست که روایت‌ها می‌تواند به آن نور بتاباند.

